

مناطق آزاد تجاری و صنعتی و تأثیر آن بر توسعه منطقه خلیج فارس

دکتر سید علی اکبر هاشمی راد^۱

چکیده

خلیج فارس در قرن‌های گذشته از مهم‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌آمده است و در دهه‌های اخیر همچنان در سیاست‌های جهانی نقش مهمی را داراست. یکی از الگوهایی که تکمیل‌کننده زنجیره توسعه صادرات در خلیج فارس و جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد مناطق آزاد تجاری است که ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و وجود الزامات اجرایی این الگو حایز بهترین شرایط است با توجه به این که کشور ایران در آستانه تغییر اس سیاست اتکا از صدور نفت به توسعه صادرات غیرنفتی می‌باشد لازم است الگوهای مختلف و موفق دیگر کشورها را برای انجام این مقصود بررسی نموده تا با انتخاب بهترین گزینه وظیفه خطیر خود را در قبال نسل حاضر به نسل‌های آینده به خوبی ایفا نماید امروزه کشورهای متفاوتی اعم از توسعه یافته و در حال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدف‌هایی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه ای و تبدیل بخش‌های عقب مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی نموده‌اند. منطقه آزاد، قلمرو معینی از سرزمین اصلی است که در آن، تجارت آزاد با سایر نقاط جهان با قوانین خاص و متفاوت از سرزمین اصلی مجاز شناخته شده است. این مناطق با ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند. سپس با صادرات این کالاها کشور از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه منطقه ای و... برخوردار نمایند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مناطق آزاد توانسته‌اند آثار مثبت در توسعه کشورهای در حال توسعه داشته باشند؟ همچنین با توجه به ایجاد چندین منطقه آزاد تجاری صنعتی در کشور، عملکرد آنها در ایران چگونه بوده است؟ مطالعه حاضر به منظور پاسخگویی به سوالات مذکور به بررسی روند تاریخی تاسیس مناطق آزاد و ارزیابی عملکرد مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه و ایران اقدام نموده و سپس به تشریح نقش، آینده آن در پرتو اقتصاد دانایی محور و جهانی شدن اقتصاد پرداخته و سرانجام پیشنهادهای کاربردی برای بهبود عملکرد این مناطق ارائه نموده است.

کلید واژگان: منطقه آزاد تجاری و صنعتی، توسعه اقتصادی، منطقه خلیج فارس.

۱- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

مقدمه

خلیج فارس به‌عنوان منطقه‌ای ژئوپلتیک ایرانی-عربی و به دلیل حساسیت جغرافیایی در برداشتن ذخایر عظیم گاز و نفت همواره مورد توجه کشورهای مجاور و جهان بوده است. هشت کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی خلیج فارس را احاطه کرده‌اند. یکی از مسائلی که باعث اهمیت بیش‌تر خلیج فارس شده است و به تبع نفت و گاز مطرح است وجود تنگه استراتژیک هرمز در خلیج فارس می‌باشد از زمان اکتشاف نفت در کشورهای خلیج فارس در اوایل قرن بیستم، رقابت خارجی همواره از مسایل اساسی این منطقه بوده است. قدرت‌های خارجی به ویژه نیروهای غربی همواره در صدد اعمال نظر در سیاست‌های داخلی کشورهای خلیج فارس بوده‌اند و تلاش داشته‌اند متحدان محلی موردنظر خویش را در جهت منافع خود به کار گیرند. جنگ نفت کش‌ها در ادامه جنگ تحمیلی ایران و بحرین کویت در سال ۹۱-۱۹۹۰ از بحران‌های سال‌های اخیر در خلیج فارس بوده است. اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه و اختلافات قطر و بحرین بر سر تعدادی از جزایر و اختلافات کویت و عربستان و کویت و عراق در خصوص منطقه بی‌طرف از نقاط اختلاف برانگیز مالکیت در عرصه حکومتی این خلیج است و داعیه‌هایی دال بر مالکیت هر فضای جغرافیایی عمدتاً مبتنی بر مسایل تاریخی و شیوه مدیریت در تاریخ است در این مقاله ابتدا چالش‌های موجود در خلیج فارس را از نظر ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بررسی می‌کنیم و سپس منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را (به اختصار منطقه ویژه می‌نامیم) که جزئی از خلیج فارس می‌باشد بررسی می‌کنیم و در نتیجه فرایند تنش‌های واردشده از درون ساختار منطقه ویژه و تنش‌های بیرونی خلیج فارس بر مدیریت سیاسی منطقه ویژه بررسی می‌شود.

خلیج فارس

درخت ایران ریشه در خلیج فارس دارد. مورخین عقیده دارند که خلیج فارس گاهواره تمدن عالم یا مبدا پیدایش انسان‌هاست و ساکنان باستانی آن نخستین انسان‌هایی بوده‌اند که دریانوردی را آموخته‌اند، کشتی ساخته‌اند و در امواج خروشان دریا نشسته‌اند تا خاور را به باختر پیوند زنند. بدیهی است خلیج فارس به علت راه داشتن به دریاهای آزاد در طول تاریخ کانون توجه باشد. ساکنان سواحل خلیج فارس یعنی اقوامی چون ایلامی‌ها، آشوری‌ها، سومری‌ها، آکدی‌ها، بابلی‌ها و پارسی‌ها در طی تاریخ بنیانگذار تمدن‌های درخشانی بوده‌اند. در این دریا اقوامی همچون مصری، یونانی، سومری، هندی، فینیقی، پارسی، مقدونی و عرب به دریانوردی پرداخته‌اند. وقتی به یاد بیاوریم که این دریا در قلب زیستگاه کهن‌ترین اقوام دوره‌های باستان از قبیل آکادی‌ها، ایلامی‌ها،

سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، مصری‌ها، کنتانی‌ها و فینیقی‌ها و نوردیک‌ها بوده‌است، پی‌خواهیم برد که خلیج‌فارس قبل از ورود آریایی‌ها، راهی برای ارتباطات بازرگانی دنیای قدیم بوده‌است.

ژئوپلتیک خلیج فارس

«حکومت بعد عمودی سازمان سیاسی است که بر پایه‌ی رضایت عموم و در لباس قانون اساسی در یک گروه انسانی ویژه فرم می‌گیرد و سرزمین بعد افقی این سازمان سیاسی است که صورت فیزیکی دارد به گفته دیگر سرزمین جایگاه جغرافیای حکومت است و درحالی که حکومت سازمان دهنده سرزمین است واحدهای سازمان یافته سیاسی در گذشته به مفهوم حکومت سرزمینی Territorial State شناخته می‌شدند که بعدها به صورت حکومت ملی (حکومت بر اساس مفهوم ملت Nation State) (غیر مفهوم دادند) «مفهوم حکومت، به گونه باستانی‌اش در ایران، بی‌تردید از زمان هخامنشیان وجود خارجی پیدا کرد، از هنگامی که مفهوم سرزمین با مفهوم حکومت پیوندی جدایی ناپذیر یافته و سرزمین با برخورداری از سرحداتی مشخص، مفهوم فیزیکی مجردی در ایران زمین پیدا کرد. در حالی که انسان روزگاران باستان با مفهوم سرحدات سرو کار داشت توجه انسان امروز در رابطه با پیرامون قلمرو خود، به تبعیت مرزها تعلق دارد. مرز، به مفهوم کنونی در روزگار باستان وجود نداشت. انسان باستانی انتهای قلمرو خود را سرحد می‌شناخت. به این ترتیب، سرحد قدیم و مرز جدید است. سرحد نگاه به بیرون دارد و مرز نگاه و محدود کردن در درون از این زاویه خلیج فارس سرحدو نقطه پرواز ایران محسوب می‌گردد. اهمیت مرزها و حدود در این منطقه یکی از مهمترین اولویتهای دستور کار سیاسی- اقتصادی دولت‌های حاشیه‌ای است، چرا که این خطوط مرزی از روی منابع غنی عبور می‌کنند و عمدتاً سطح این منابع با سطح افق موازی نیست و لذا بسته به شیب منابع طبیعی، بهره برداری یکسان دویا چند کشور از آن میسر نمی‌باشد» ژئوپلتیک به ساده‌ترین بیان به پراکندگی جغرافیای قدرت در جهان و مطالعه روابط ساختاری میان آن‌ها می‌پردازد.» از آن‌جا که درسمت دیگر جغرافیای خلیج فارس کشورهای عربی امروز قراردارند که اگر از کشور عراق در انتهای خلیج به سمت دریای مکران پیش‌روی کنیم کشورهای را خواهیم دید که غالب آنان حدود یک قرن است که با حمایت‌های دولت‌های استعمارگر در جهت تجزیه حکومت‌های منطقه و عدم وجود دولت قدرتمند در خلیج فارس سامان گرفته‌اند. غالب این حکومت‌ها یا خراج‌گذار حکومت‌های ایرانی بودند و مردمانشان چه عرب چه ایرانی شهروند ایرانی محسوب می‌شدند یا جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شدند. استعمارگران انگلیسی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی با تحت‌الحمایه کردن شیوخ سواحل جنوبی

خلیج فارس، کشورهایی را در ابتدا با مرزهای نامشخص ایجاد نمودند. آنان با فرستادن زبده‌ترین کارگزاران خویش به منطقه در تحکیم قدرت استعماری خویش کوشیدند. با توجه به این نکته در می‌یابیم که اکثر مشکلات مرزی امروز در منطقه و عدم توافق بر سر مرزهای میان دولت‌ها باعث شده است برخی کشورهای منطقه با همسایگان خود مشکل پیدا کنند. این امر بر مباحث مربوط به مرزهای ایران نیز تاثیر گذار بوده است کناره ساحلی جنوب ایران جهت رونق زندگی خویش ناگزیر به ارتباط با همسایگان خویش در این دریا بوده‌اند. در قدیم ایالت‌های خوزستان، فارس، کرمان و مکران از ایران با این دریا ارتباط داشته‌اند و در تقسیمات امروزی ایران: خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان خلیج فارس را احاطه کرده‌اند.

وضعیت ژئواستراتژیک و نظامی خلیج فارس

ژئواستراتژیک به بررسی روابط فیما بین استراتژی و عناصر جغرافیایی می‌پردازد. حوزه خلیج فارس به دلایل شرایط توپوگرافی و ویژگی‌های ژئواستراتژیکی خاصی را به برخی از کشورهای حوزه داده است که در رأس این کشورها ایران است. از نظر ژئواستراتژیکی و نظامی خلیج فارس منطقه‌ای بسیار حساس و ویژه است و موقعیت ممتازی دارد، از آن جایی که خلیج فارس و تنگه هرمز کشورهای حاشیه‌اش را با اقیانوس هند مرتبط می‌کند، باعث شده است به صورت یک منطقه عملیاتی در استراتژی نظامی مورد توجه قرار گیرد. خلیج فارس و تنگه هرمز از بعد نظامی برای دو منطقه فلات ایران و شبه جزیره عربستان اهمیت حیاتی دارد. در مورد ایران باید گفت که در صورتی که ایران نقشی در کنترل تنگه هرمز نداشته باشد عملاً کارایی نیروی دریایی خود را از دست می‌دهد و تنها می‌تواند به نیروی زمینی خود تکیه نماید و در این صورت در موازنه قدرت در منطقه دچار مشکل جدی خواهد شد. اهمیت ژئواستراتژیکی تنگه هرمز برای ایران بسیار با اهمیت‌تر از کشورهای شبه جزیره عربستان می‌باشد. و خلیج فارس و تنگه هرمز به دلیل قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان صنعتی به عنوان یک نقطه کنترلی و اعمال فشار بسیار مورد توجه است. لذا از تنگه هرمز به عنوان نقطه کنترل و اعمال فشار که اهمیت استراتژیکی خاصی نیز دارد، یاد می‌شود. زیرا قطع صدور نفت از این تنگه، جهان را با بحران سختی روبرو می‌کند و هر چند تهدید آمیز و کوتاه مدت هست اما اهرمی است که می‌توان به کمک آن به منافع استراتژیک آمریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای آسیب وارد ساخت.

جایگاه خلیج فارس در کشمکش‌های ژئواستراتژیک

مسئله تأمین امنیت آن هم در ابعاد گوناگون آن در مقیاس استراتژیک در ارتباط با نظام سیاسی بین الملل و مناطق ژئوپولیتیکی است و این نیاز همیشه بزرگترین و اساسی‌ترین هدف قدرت‌های جهانی بوده است، به‌ویژه این‌که در قرن بیست و یکم با توجه به تحولاتی که این مفهوم پیدا کرده است دیگر جنبه‌های ملی و منطقه‌ای مطرح نیست بلکه مقیاس جهانی است، به این معنی که در استراتژی ژئوپولیتیک آن‌ها یا به عبارت ساده‌تر شرح وظایف کشور مناطقی برای آن‌ها ارزش حیاتی دارد که با نفوذ و نظارت در آن‌ها بتوانند اهداف استراتژیک خود را جامه عمل بپوشانند. امروزه جهانی شدن، مفاهیم زمان و مکان در نتیجه روند جهانی شدن و توسعه سریع تکنولوژی ارتباطات که مفهوم مولفه‌هایی چون امنیت، ژئوپلیتیک، تدابیر نظامی، قومیت، هویت و ناسیونالیسم-که همگی در منطقه زرخیز خلیج فارس به نحوی دخیل هستند- را دگرگون نموده و بعد جدیدی به مناسبات اقتصادی کشورها بخشیده است ولی هرگز از اهمیت جهانی منطقه نکاسته است، بلکه جهانی شدن ابزاری است بالقوه برای تعامل و دوستی هرچه بیشتر میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس. همانگونه که به اثبات رسیده است تفاوت‌های نژادی و زبانی به ندرت دلیل اصلی اختلاف و مخاصمه هستند. بنابراین بیهوده و نابخردانه است که ادعا شود ایرانی بودن و عربی بودن مانع از گسترش مناسبات دوستانه در منطقه خلیج فارس است.

نگاهی به امنیت خلیج فارس و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در آن

از زمان اکتشاف نفت در کشورهای خلیج فارس در اوایل قرن بیستم، رقابت خارجی همواره از مسایل اساسی این منطقه بوده است. قدرت‌های خارجی به ویژه نیروهای غربی همواره در صدد اعمال نظر در سیاست‌های داخلی کشورهای خلیج فارس بوده‌اند و تلاش داشته‌اند متحدان محلی مورد خویش را در جهت منافع خود به کار گیرند. به طوری که ملاحظات و نقطه نظرهای سیاسی کشورهای مذکور را مد نظر داشته باشند. «سیاست نفتی آمریکا در منطقه این است که قیمت نفت را در حدی نگاه دارد که منابع نفتی‌اش استخراج گردد و به صورت صد در صد وابسته نخواهد بود گرچه سطوح وابستگی اروپاییان به منابع نفت و گاز خلیج فارس بسیار متفاوت است و کشورهای اروپایی در شرایط بحرانی این منطقه ترجیح می‌دهند منابع تأمین انرژی خود را از حالت انحصاری خارج و آن را متنوع نمایند، در هر صورت نزدیکی جغرافیایی، حجم منابع و بازار بزرگ منطقه، صرف نظر نمودن اروپا از منابع نفت و گاز خلیج فارس را در آینده ناممکن کرده است سیاست گذاران ایرانی می‌کوشند استراتژی مشخصی را برای به حداکثر رساندن بازدهی امکانات جغرافیایی از راه ارتباط دادن دریای خزر به خلیج فارس به اجرا بگذارند. به این معنا که با مشارکت دادن

کشورهای شمال ایران در خلیج فارس بر حضور کشورهای غیر عرب ذینفع در خلیج فارس بیافزایند و امکان دسترسی و مشارکت مستقیم آنان در خلیج فارس را ایجاد نمایند.

ژئواستراتژیک شیعیان خلیج فارس

نحوه‌ی توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. در برخی از این کشورها همانند امارات متحده‌ی عربی، عربستان، عراق و عمان، حضور آن‌ها را به صورت متمرکز در برخی شهرها شاهدیم که این تمرکز، از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای این کشورها خطرآفرین باشد. زندگی دسته‌جمعی شیعیان به حس مشترک محرومیت دامن زده و زندگی جمعی، جسارت و شهامت مبارزه را تقویت نموده، احتمال شورش و اغتشاش آنان بر ضد دولت‌های متحجر عربی را افزایش می‌دهد. و ترس کشورهای عربی را برانگیخته است. دلیل آن وجود کشوری قدرتمند مانند ایران می‌باشد که کانون همه شیعیان جهان محسوب می‌شود و نقشی اساسی در تامین امنیت و انرژی خلیج فارس برعهده دارد.

ژئواکونومیک خلیج فارس

نقش ژئواکونومیک در دنیای سیاسی امروز

در نظام جدید جهانی مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری خواهند داشت، در حالی که در نظام دوقطبی، مناطق ژئوپلیتیک اهمیت زیادی داشتند. نظریه پردازهای آمریکایی به خوبی دریافته‌اند که در توازن قدرت‌های آینده، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیک و به ویژه دارای منابع غنی انرژی تسلط داشته باشد. از نظر آن‌ها هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود.

نفت و گاز در خلیج فارس

نفت و گاز یکی از منابع بسیار مهم تولید انرژی است و از بین ۷ ماده معدنی ۷۰ درصد انرژی از نفت تأمین می‌شود. مطابق برآوردهای علمی، ذخایر اثبات شده نفت خام جهان در حدود ۷۰۰ میلیارد بشکه است و پیش‌بینی می‌شود حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه نیز در آینده کشف شود. کشورهای عضو اوپک بیش از ۷۰ درصد و ممالک حوزه خلیج فارس به تنهایی در حدود ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده (نفت) جهان را در اختیار دارند. در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد نفت منطقه خلیج فارس از تنگه هرمز صادر می‌شود. با قدری دقت در آمار و ارقام ذکر شده به این نتیجه

می‌رسیم که توجه قدرت‌های بزرگ جهان اعم از قدرت‌های غربی و شرقی نسبت به خلیج فارس بی‌جهت نیست و مسئله نفت اهمیت منطقه خلیج فارس را دو چندان نموده است. آینده نفت خلیج فارس و انرژی جایگزین اگر نفت مهم‌ترین کالایی نباشد که در عرصه تجارت بین‌الملل از مرز بسیاری از کشورها عبور می‌کند، دست کم یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در حال حاضر تولید جهانی نفت در حدود ۷۵ میلیون بشکه در روز است و به طور معمول هر سال تقاضای جهانی برای نفت، ۵ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز به تقاضای کنونی بازار افزوده شود و میانگین تولید نفت در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

بازار مصرف منطقه خلیج فارس

جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفری ساکن در منطقه خلیج فارس که دارای درآمدهای نفتی سرشاری هستند، بازار مصرف بسیار خوبی برای کشورهای صنعتی به شمار می‌روند. در بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس به جز معادن و ذخایر هیدروکربوری (نفت و گاز) معادن قابل توجه دیگری وجود ندارد، از طرفی به دلیل مسئله کمبود آب زراعی و آشامیدنی و پائین بودن میزان بارندگی، فاقد زمین‌های وسیع قابل کشت می‌باشند و به همین دلیل گرایش اقتصادی آنان به سمت تجارت و امور بازرگانی است.

جایگزینی انرژی به جای نفت و گاز در خلیج فارس

دستیابی قدرت‌های صنعتی به منابع انرژی جایگزین نفت موفقیت قدرت‌های صنعتی در دستیابی به منابع انرژی جایگزین نفت با درس آموزی از سه حادثه بوده است (جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال، ۱۹۷۳ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در پایان دهه ۷۰ میلادی، اشغال کویت توسط عراق) که بازارهای بین‌المللی نفت را دچار شوک کرد. کشورهای صنعتی نیز برای حفظ ثبات اقتصادی خود تلاش کرده‌اند تا به منابع جایگزین انرژی نفت دسترسی پیداکنند و با آن‌که هنوز در طبیعت معادن زغال‌سنگ بسیاری یافت می‌شود و کشورهایی همچون چین و اروپای شرقی از زغال‌سنگ به عنوان منبع اصلی تأمین انرژی استفاده می‌کنند، ولی به دلیل آن‌که زغال‌سنگ باعث می‌شود تا گاز دی‌اکسید کربن که یکی از عوامل اصلی افزایش دمای حرارت کره زمین می‌باشد، متصاعد گردد و همچنین به دلیل آن‌که عملیات کندن تونل و استخراج زغال‌سنگ از معادن منجر به تخریب محیط زیست می‌گردد، کشورهای صنعتی درصدد برآمدند تا انرژی‌های دیگری را چون انرژی خورشیدی، موج، باد، آب و هسته‌ای جایگزین نمایند.

آینده و اهمیت راهبردی انرژی در خلیج فارس

با دستیابی به انرژی‌های جایگزین نفت، انتظار می‌رود دیگر ابرقدرت‌های صنعتی نگران امنیت منطقه خلیج فارس و تداوم صادرات نفت از این منطقه نباشند، با این همه در طرف دیگر این رابطه سیاست کشورهای عربی خلیج فارس که از پایه و اساس روشنی برخوردار نیست و در بسیاری موارد تحت سلطه سیاست‌های استعماری غرب هستند اگر بخواهند به همین سطح بالای زندگی خود ادامه دهند، باید برای آینده‌ای بدون نفت برنامه‌ریزی کنند و منابع درآمد ملی خود را متنوع نمایند تا بتوانند در این نظام اقتصادی بین‌المللی که بر پایه تخصص و مهارت بنا شده است، ادامه حیات دهند. با وجود پایین بودن سطح تحول و توسعه فناوری در این کشورها و نگاه تحقیرآمیز ملت‌هایشان نسبت به کار و فعالیت بدنی، اجرای چنین امری بسیار دشوار می‌باشد، اما دولت‌ها باید خود را برای این مسئله آماده کنند و تلاش کنند تا این نکات منفی را از طریق اختصاص بخشی از درآمدهای فعلی نفت به تحقیق و پژوهش در فناوری، تشویق مردم به فعالیت تولیدی و سازندگی و اعطای پاداش‌های سخاوتمندانه به کارگران، به‌طور کامل محو نمایند. توسعه همه‌جانبه نیز امری بسیار ضروری است: اکنون کشورهای منطقه از سرمایه‌های بسیار بالایی در بازارهای خارجی برخوردارند که باید از این سرمایه‌ها در جهت توسعه داخلی کشورهای منطقه استفاده کرد. گرچه سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی موجب کسب درآمد ملی از طریق سود سرمایه‌گذاری می‌شود، اما برای این کشورها فرصت شغلی پیش نمی‌آورد و هیچ بنیانی برای صنایع محلی ایجاد نمی‌کند تا بتوان از طریق صادرات کالاهای ساخته شده در داخل وارد بازارهای بین‌المللی شد. بنابراین، بازگرداندن بخشی از این سرمایه‌ها در کنار اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی به توسعه صنایع داخلی امری ضروری می‌باشد.

مفهوم و تعریف جهانگردی

شاید لفظ جهانگردی، گردش در جهان و گشتن در کشورهای دیگر را در اذهان متبادر سازد و جهانگردان بنامی چون مارکوپولو و ابن بطوطه و دیگران را بخاطر بیابورید که در گذشته برای کشف نادیده‌ها و سرزمین‌های ناشناخته و ثبت آنها در تاریخ به سیر و سفر می‌پرداختند. ولی امروزه از آن سفرهای طولانی مدت و طاقت فرسا با آن اهداف خبری نیست و در عصر ارتباطات پیشرفته و دهکده جهانی با وجود وسایل تردد سریع السیر با سرزمینها و اماکن شناخته شده، جهانگردی به آن معنی و مفهوم معنی ندارد و سیاحان و جهانگردان بیشتر برای تفریح و تفرج یا زیارت و استراحت و یا بازدید از اماکن و ابنیه تاریخی و آشنائی با فرهنگها و آداب و رسوم سایر اقوام و ملل

به مسافرت می‌پردازند و سیاحان یک گروه وعده خاص نیستند و اکثر مردم با اندک امکانات ممکن می‌توانند چند روزی را به سیرو سیاحت بپردازند. در عصر حاضر جهانگردی همگانی شده و نسبت به گذشته تعداد بیشتری از مردم قادر هستند به مسافرت بروند. در اعصار گذشته سیاح کسی بود که اختصاصاً جهانگردی را پیشه خود کرده و در خاتمه یک دوره سیر و سیاحت سفرنامه‌ای نیز حاصل کار او بود. ولی امروز جهانگردی جنبه عام یافته و هرکس که به سیر و سیاحت کوتاهی نیز اقدام کند جهانگرد محسوب می‌شود. در اینجا واژه جهانگردی را به معنای سیر و سفر و مسافرت‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنیم و صرف گشت و گذار در جهان و سیر آفاق مد نظر نیست. سیری در سفرنامه‌های پیشینیان بخوبی نشان می‌دهد که در گذشته سیر و سیاحت امری فردی و برخاسته از علایق و تلاش‌های شخصی بوده است. انگیزه سیاحان بدلیل محدودیتهای تکنولوژی اغلب محدود و در فضایی تنگ و بسته شکل می‌گرفته است. راهنمایان این سفرها از اهالی خیره هر منطقه که آشنایی و اطلاعات بیشتری داشته‌اند انتخاب می‌شدند بدون اینکه قبلاً برای این وظیفه مهم آموزشی هدفداری دیده باشند.

اما امروز در عصر ارتباطات، دانشمندان و متخصصان در هر حوزه از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بسوی تدوین شیوه‌های جدید منطبق با ویژگیهای این عصر گام برمی‌دارند. همین تغییرات وسیع و عمیق است که شکل و سیمای سفرهای شخصی و بازدیدهای انفرادی جوامع و ملل را به صنعت تویسم و تبدیل کرده و برای هر یک از شاخه‌های آن به تربیت متخصصان و برنامه‌ریزان کارآمد و لایق می‌پردازند.

تعریف جهانگردی

جهانگردی به سفری موقت و کوتاه اطلاق می‌شود که ضمن آن جهانگرد به منطقه‌ای خارج از محل سکونت و کار خود به منظور سیر و سیاحت سفر می‌کند در فرهنگ لغت، جهانگردی را در اقطار عالم سفرکردن و مسافرت برای تفریح و سرگرمی و سفری که در آن مسافر به مقصدی رفته و سپس به محل سکونت خود باز می‌گردد، تعریف کرده‌اند. نکات مهمی که در تعاریف جهانگردی مشاهده می‌شود، جدا شدن فرد از محل کار و اقامت دائم خود، کوتاه و موقتی بودن سفر و انجام فعالیت‌هایی نظیر بازدید، سرگرمی و تفریح در مدت سفر است. از نظر اقتصادی نیز جهانگردی نشان دهنده انتقال قدرت خریدار یک منطقه به منطقه دیگر می‌باشد که برای تحلیلهای اقتصادی در این صنعت قابل توجه است. در تعریف دیگری جهانگرد داخلی به شرح زیر توصیف شده است: جهانگرد داخلی کسی است که از محل اقامت خود حداقل ۵۰ مایل دور شده و برای اهدافی از قبیل امور کاری، تفریح، امور

شخصی و استراحت در محلی اقامت گزیند. مدت اقامت او می‌تواند کمتر یا بیشتر از یک شب باشد. سفرهای بین محل کار و محل سکونت در این تعریف قرار نمی‌گیرد.

مفهوم مناطق آزاد

اصطلاح یا مفهوم مبادله آزاد و منطقه مبادله آزاد، مفهومی قدیمی است اما گفتگو درباره شکل نوین آن تنها در چند دهه گذشته فراگیر شده است. نخستین منطقه‌های آزاد بازرگانی، به مفهوم ابتدائی آن، در دوران باستان با آغاز مبادلات بازرگانی وسیع ایجاد شد. به عنوان مثال می‌توان به «دلوس» (Delos) اشاره کرد، جزیره‌ای کوچک که از جمله جزیره‌های سیکلاد (Cyclades) است و دولت آتن در فاصله سالهای ۳۱۵ تا ۱۶۶ قبل از میلاد اولین مراکز اداره امور بازرگانی را در آن تأسیس کرد. در سده‌های میانی، در اروپا به مردم و شهرها آزادی‌هایی برای داد و ستد داده شد. این روستاها و یا شهرهایی که آزاد نامیده شده‌اند از سده یازدهم میلادی به بعد از حکام خود اسنادی دریافت می‌کردند که به موجب آن از نظر اقتصادی دارای حالتی خود مختار بودند و می‌توانستند به شکل آزاد داد و ستد کنند از این نمونه شهرها می‌توان بندر «هامبورگ» را نام برد. نخستین عامل محرک در پیشرفت بازرگانی بین‌المللی و رونق مناطق آزاد، تصویب قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ بود که نشان می‌داد کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی به جای جایگزینی واردات به گسترش صادرات روی آورده‌اند. بنا به تعاریف بین‌المللی، «منطقه آزاد» محدوده حراست شده بندری یا غیر بندری است که از شمول مقررات جاری عمومی کشور متبوع خارج است و با استفاده از مزایایی مانند بخشودگی مالیاتی و عوارض گمرکی و معافیت از مقررات ویژه صادرات و واردات، با جذب سرمایه خارجی و جذب تکنولوژی مدرن، امکانات کسب درآمدهای ارزی را فراهم می‌آورد. مناطق آزاد مناطقی هستند که بنا بر خصوصیات طبیعی خود (مانند قرارداشتن در شاهراه‌های تجاری، حوزه‌های ارتباطی - اقتصادی متراکم)، دارای قابلیت‌های بالقوه بالاهمیتی می‌باشند. در این مناطق دخالت پاره‌ای از نهادهای رسمی سرزمین اصلی (عمدتاً گمرک و نهادهای اقتصادی) به حداقل می‌رسد تا بتوان جذب سرمایه، اعم از سرمایه‌های بانکی، تجاری، توریستی یا صنعتی را به حداکثر ممکن رساند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که این مناطق نخستین بار اغلب در کشورهایی نظیر هند و چین به وجود آمدند که دخالت نهادهای دولتی در کلیه عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی سرزمین اصلی فراگیر بوده، یا دست کم شکل غالب داشته است. این دولت‌ها با ایجاد مناطق آزاد که همگی دروازه‌هایی دریایی به جهان خارج بودند، عمدتاً دو هدف را دنبال می‌کردند؛ نخستین هدف آن بود که امکانی عملی به وجود آوردند تا به دور از قوانین دست و پاگیر بوروکراتیک، با سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی دیگر

مرتبط شوند، از دانش عملی آن سیستم‌ها بهره بگیرند و انتقال تکنولوژی و سرمایه را به آن منطقه و در نهایت به سرزمین اصلی منفرد مانده از بازارهای جهانی ممکن سازند. دومین هدف آن بود که در منطقه آزاد یک «سیستم خرد» (یا میکروسیستم) ایجاد نمایند که هرچند ارتباط خود را با «سیستم کلان» (یا ماکروسیستم) ادامه می‌داد، اما دارای کارکرد درونی ویژه‌ای باشد. این کارکرد اغلب نوعی پیوند میان الگوهای اجتماعی-اقتصادی سرزمین اصلی و الگوهای بیگانه بود. سیستم‌های خرد به این ترتیب می‌توانستند در تداوم خود نوعی آزمایشگاه بزرگ برای اصلاحات اجتماعی-اقتصادی ای باشند که اگر چه پیاده کردن آنها در سرزمین اصلی ضروری به نظر می‌رسد، اما می‌توانستند به دلیل پی آمدهایشان برای سیستم کلان خطرناک باشند.

تاریخچه تأسیس مناطق آزاد

مناطق آزاد جهان در چند مرحله تأسیس یافته‌اند: اول: مرحله رشد آرام تعداد مناطق آزاد در جهان تا اوایل سال ۱۹۷۰ & بیشتر در اروپا و امریکای لاتین، در این مرحله ضرورت‌های رشد نظام تجاری و حذف مقررات دست و پاگیر گمرکی انگیزه اصلی ایجاد این مناطق بود. شماری از مناطق آزاد این دوره اندکی پس از جنگ جهانی اول یا دوم ایجاد شده‌اند و تعدادی نیز مانند بندر هامبورگ، متعلق به قرن گذشته بوده‌اند. دوم: مرحله رشد متوسط که تا اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ را شامل می‌شود. در این دوره کشورهای جنوب شرقی آسیا و تا حدی آفریقا اقدام به تأسیس مناطق آزاد کردند. نخستین گسترش نظام تجارت جهانی موجب ایجاد و گسترش مناطق آزاد با سرعتی نسبتاً بیشتر در این دوره بود. سوم: مرحله رشد سریع، در دوره گسترش و تفکر و رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و موج وسیع تفکر اقتصادی «نولیبرالی» که به دنبال آن در کشورهای جهان به حرکت افتاد. این مرحله که بیشتر به دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ تعلق دارد از ۲ زیر مرحله پیش از فروپاشی و پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته است. در مرحله پس از فروپاشی این فرایند شتاب گرفته و مناطق آزاد در روسیه و سایر جمهوریه‌های شوروی سابق نیز رو به ازدیاد می‌گذارند. چهارم: مرحله جابجائی و توقف نسبی که از اوایل دهه ۹۰ تا به امروز ادامه دارد. در این مرحله شماری از کشورها-مانند کره و برزیل- یا از مناطق آزاد ناامید می‌شوند و به تدریج از ایجاد آنها دست می‌کشند و یا به این نتیجه می‌رسند که این مناطق به حد اشباع رسیده‌اند. در این حال، نمی‌توان گفت که سرعت مرحله قبلی به طور جدی کاهش می‌یابد زیرا هنوز شمار زیادی از کشورها بدون بررسی واقعیت تاریخی، نتایج، موقعیت‌ها و امکانات واقعی امروز و مسائل درونی کشور خود اقدام به احداث مناطق آزاد می‌کنند.

تاریخچه ایجاد مناطق آزاد در آسیا

هندوستان اولین کشوری بود که در بین کشورهای آسیای در سال ۱۹۶۵ مبادرت به ایجاد مناطق آزاد کرد (منطقه تجارت آزاد کاندلا) و سپس شش منطقه آزاد دیگر نیز تأسیس شد. سنگاپور دومین کشورهای آسیایی است که در سال ۱۹۶۸ منطقه آزاد ایجاد نمود. فیلیپین منطقه باتان را در سال ۱۹۶۹ ایجاد کرد و بعداً در همین کشور شش منطقه دیگر نیز تأسیس شد. مالزی در دهه ۱۹۷۰ ده منطقه آزاد ایجاد نمود و بالاخره کره، پنجمین کشور آسیای است که در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ دو منطقه ماسان و ابری را تأسیس کرد. تایلند در سال ۱۹۸۰ ششمین کشوری بود که به دنبال ایجاد منطقه آزاد رفت. در واقع کشورهای آسیایی از پیشگامان اصلی ایجاد منطقه آزاد در میان کشورهای در حال توسعه هستند و در عین حال موفق ترین مناطق آزاد جهان - که الگوی دیگر کشورها نیز شده‌اند - در آسیا قرار دارند. در جمهوری اسلامی ایران، از سال ۱۳۶۸ دو جزیره کیش و قشم در خلیج فارس و بندر چابهار کناره دریای عمان به عنوان «مناطق آزاد تجاری - صنعتی» برگزیده شدند تا با استفاده از تسهیلات اداری و گمرکی، به پایگاههایی برای گسترش صادرات غیر نفتی تبدیل شوند.

اهداف مناطق آزاد

ایجاد منطقه آزاد از جمله ابزار توسعه اقتصادی است که می‌تواند موجب جلب سرمایه، انتقال تکنولوژی، آموزش نیروی انسانی، تحصیل مدیریت علمی، وصل به بازار جهانی و در نهایت در پیچهای به سوی توسعه اقتصادی گردد. به همین علت است که طی سالهای بعد از ۱۹۶۰ میلادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه با بکارگیری این ابزار در کنار سایر ابزارهای توسعه، سعی در رهایی از «توسعه نیافتگی» خود داشته‌اند. از دیدگاه نظری و بین المللی، فلسفه اصلی روی آوری کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد، دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق استراتژی برون نگر است. کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی، با کمبودها و محدودیت‌های متعددی مواجه‌اند و در عین حال از برتریها و امکاناتی نیز برخوردارند. منطقه آزاد ابزاری است که به طور نسبی می‌تواند کمبودها را جبران و امکانات و برتری‌های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کند و پلی بین اقتصاد داخلی و اقتصاد خارجی شود. از این رو اهداف اصلی مناطق آزاد به شرح زیر قابل خلاصه است.

- تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی .
- بهره گیری از مزایا، پتانسیل‌ها، و بطور کلی برتری‌های نسبی اقتصاد ملی.
- برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی.

- وصل تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی.
- کشورهای در حال توسعه در راه نیل به توسعه اقتصادی در چارچوب هدف‌های کلی فوق، هدف‌های تفصیلی تری را نیز برای مناطق آزاد دنبال می‌کنند و امید دارند با اعمال مطلوب آنها در منطقه آزاد به برآورد خواست‌های درونی اقتصاد ملی دست یابند. اهم اهداف تفصیلی به شرح زیر قابل طبقه بندی است: (۱)
- جذب سرمایه خارجی، بویژه در بخش‌های مولد.
- تأمین ارز بیشتر برای رفع نیازهای اقتصاد ملی.
- جذب و انتقال تکنولوژی به درون اقتصاد ملی.
- ایجاد فرصت‌های اشتغال جدید در منطقه آزاد و درون اقتصاد ملی.
- افزایش کارایی اقتصاد ملی
- افزایش و تنوع بخشی صادرات و گسترش تجارت خارجی.
- کمک به ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به درون اقتصاد ملی به قیمت مناسب تر.
- تربیت نیروی انسانی و کسب آموزش‌های فنی و افزایش درجه مهارت نیروی کار.
- افزایش درآمد ناشی از فعالیت‌های خدماتی (حمل و نقل، انبارداری، بارگیری و تخلیه، بیمه گری و جهانگردی)
- آشنایی عینی و عملی با تجارت جهانی.
- استفاده از برتریهای نسبی (نیروی کار ارزان، ذخایر معادنی، کالاهای کشاورزی و سایر مواد اولیه) اقتصاد ملی.
- توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخشهای عقب مانده به قطب‌های توسعه.
- از دیگر اهداف اساسی تأسیس مناطق آزاد، رسیدن به آرمان دیرینه خروج از اقتصاد تک محصولی و دستیابی به اقتصاد بدون نفت می‌باشد. مناطق آزاد باید سکوه‌های پرتابی می‌شدند (و باشند) که سهم محصولات غیر نفتی را در کل صادرات به صورت فزاینده‌ای افزایش دهند. پس از تصویب قانون تشکیل این مناطق، علیرغم قدمهای موثری که در این زمینه برداشته شده، رشد واقعی و کارکرد مناسب آنها فاصله زیادی با پیش‌بینی‌های اولیه دارند.

خروج از اقتصاد تک محصولی و متنوع سازی اقتصاد مبتنی بر نفت

تک محصولی بودن صادرات ایران به خاطر اتکای شکننده به نفت، نوسانات شدید بهای نفت در بازارهای بین‌المللی که ناشی از سیاست‌های امپریالیستی کارتل‌های بین‌المللی است و نیز رکود و افت و خیز بازار صادرات فرش، صنایع دستی، پسته و دیگر صادرات ریز و درشت کشور و به طور

کلی رقم پایین ارز حاصل از صادرات غیر نفتی، واقعیت‌های ملموسی هستند که عزم جزم دولت در توجه هرچه بیشتر به این معضل اقتصادی را بطور جدی می‌طلبد. هدف از متنوع سازی اقتصاد این است که اتکاء به درآمدهای نفتی و ریسک حاصل از آن به حداقل ممکن کاهش یابد. بنابراین متنوع ساختن اقتصاد به فرایند توسعه کشور، خود اتکائی، قدرت چانه زنی و توانایی در کاهش ریسک تجاری بستگی دارد. در مورد مفهوم متنوع سازی باید گفت که گسترش دامنه محصولات تولیدی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی را می‌توان متنوع سازی نامید. اما متنوع سازی به استراتژی توسعه اقتصادی کشور که باید ساختار کالاهای صادراتی را متنوع سازد نیز بستگی دارد. لذا متنوع سازی اقتصاد بدون نفت و خروج از اقتصاد تک محصولی، گسترش فعالیت‌های بخش‌های غیر نفتی است که وجود مناطق آزاد با اهدافی که برای آنان ذکر شد، می‌توانند در متنوع سازی اقتصادی نقش بس ارزشمندی را ایفا کنند. از طرف دیگر متنوع سازی و توسعه به یکدیگر مربوطند، زیر هدف نهایی از متنوع سازی اقتصادی دستیابی به توسعه است و متنوع سازی وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف. لذا متنوع سازی نباید به عنوان هدف نهایی به کار رود. با افزایش تولیدات غیر نفتی و گستر صادرات و انعطاف پذیر کردن ساختار تولید یک اقتصاد، توانایی آن اقتصاد برای کاهش خطرات ناشی از تجارت نفت و سایر کالاها که بهبود شرایط تجاری یک کشور را شامل می‌شود، بالا می‌رود و بنابراین وقتی متنوع سازی در اقتصاد صورت می‌گیرد میزان خطرات کاهش و بازدهی ناشی از سیستم تجاری کشور افزایش می‌یابد. ایضاً انعطاف پذیر شدن ساختار تولید باعث گسترش ظرفیت‌های تولیدی می‌شود که در پاسخ به تغییرات طرف تقاضا و عرضه اقتصاد در بازارهای جهانی برای افزایش تولید و درآمد لازم است. مشکلات اقتصادی فراوانی فراروی اقتصاد ایران وجود دارد که نیازمند بینشی عمیق در استراتژی بلند مدت جامعه است. مشکلات اساسی فوق را می‌توان پایین بودن قدرت صنعتی، تک محصولی بودن و اتکاء به درآمدهای نفتی، صادرات اندک محصولات صنعتی و ... دانست یکی دیگر از مشکلات اساسی کاهش بهره‌وری صنایع در ایران و عدم دسترسی به تکنولوژی (فن آوری) مناسب است که به روابط تجاری ایران در صحنه جهانی و کمبود ارز خارجی بستگی دارد. همانگونه که قبلاً ذکر شد یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد تبدیل مناطق آزاد به پایگاههایی برای گسترش صادرات غیر نفتی است و لذا در صورت فراهم آوردن امکانات لازم. مناطق آزاد می‌توانند همچون دریچه‌ای به جهان خارج آزادی مبادلات تجاری را تأمین کرده و به جذب تخصص‌های فنی، تکنولوژی و سرمایه مورد نیاز جریان توسعه اقتصادی ملی یاری رساند. یکی دیگر از صنایعی که در منطقه آزاد می‌تواند موفق بوده و موجب جذب ارز خارجی و نیز تعامل فرهنگی گردد، صنعت توریسم است. طبق پیش‌بینی و اعلام صاحب نظران، در سال ۲۰۰۵ وضع اقتصادی جهان دگرگون می‌شود و درآمدهای توریستی

جای نفت را می‌گیرد. در این حال می‌توان با ایجاد جاذبه‌های توریستی در کنار دیگر فعالیتهای اقتصادی و تجاری در مناطق آزاد، صنعت توریسم را رواج داده و به درآمدی حتی چندین برابر درآمد نفت دست یافت. البته باید اذعان نمود که در جای خود باید به مسائل فرهنگی صنعت توریسم توجه بیشتر داشت و تنها به بعد اقتصادی آن نپرداخت. ایرانی اسلامی با داشتن غناهای فرهنگی - اسلامی و ویژگیهای طبیعی و آب و هوایی می‌تواند و می‌باید جایگاه ویژه خود را در بین قطب‌های توریستی جهان باز یافته و مشتاقان دیدار از سرزمین مقدس مان را که به دنبال هزارها نکته نادیده و ناشنیده می‌گردند در خود پذیرا باشد.

نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی

در تقسیم بندی‌های بین المللی به طور کلی کشورها به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته کشورهایی که توسعه یافته‌اند و دسته دوم کشورهای در حال توسعه با درجات مختلفی از توسعه نیافتگی، تفاوت اساسی دو گروه یاد شده این است که کشورهای توسعه یافته، کشورهایی هستند که انقلاب صنعتی را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند و به تبع چنین تحولاتی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان نیز متحول شده است. اما کشورهای در حال توسعه به علل و عوامل مختلف تاریخی و مشکلات جاری نتوانسته‌اند تحولات صنعتی به اصطلاح «انقلاب صنعتی» را با موفقیت پشت سر بگذارند. موضوع توسعه اقتصادی بعد از انقلاب سال ۱۹۱۷ اتحاد جماهیر شوروی سابق بیشتر از نظر فلسفی و کلی مورد بحث قرار می‌گرفت. حال آنکه بعد از جنگ جهانی دوم، بویژه در سالهای بعد از دهه ۱۹۶۰ جنبه حاد و سیاسی به خود گرفت و مسائل اقتصادی تنها مورد علاقه و توجه گروهی خاص که مسائل کلی و فلسفی را درک می‌کردند باقی نماند، بلکه عمومیت یافت و در هر گردهمایی از آن سخن به میان آمد بطوری که این مساله به صورت یک امر ضروری و حیاتی برای دولت‌ها درآمده و اصولاً دوام و تداوم حکومتها تابعی از موفقیت آنها در راه نیل به این مقصود به حساب آمد. به همین دلیل است که کشورهای در حال توسعه در راه دستیابی به توسعه اقتصادی به هر ابزاری روی می‌آورند که ایجاد «منطقه آزاد تجاری - صنعتی» یکی از این ابزارهاست. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای در حال توسعه است که به رغم برخورداری از منابع عظیم انسانی و اقتصادی، خصوصیات متنوع آب و هوایی و منابع عظیم معدنی و نفتی و هم چنین جاذبه‌های توریستی بی‌همتا و آثار باستانی بی‌رقیب نتوانسته است مراحل دستیابی به توسعه مورد دلخواه و مطلوب دست یابد. تحولات اقتصادی جهان، تجربه کشورهای توسعه یافته امروزی در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر، نشان داد که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد،

بخصوص در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به اندازه‌های سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری و داد و ستد با دیگران ممکن نخواهد بود. از آنجا که یکی از راههای بسط تجارت خارجی، بکارگیری ابزار منطقه آزاد است، بسیاری از اقتصاد دانان، استفاده از این ابزار را مفید تلقی می‌کنند، بویژه آنکه بکارگیری این ابزار می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از شوکهای ناشی از مراحل انتقالی اقتصاد باشد و سیاستهای داخلی را تا حد زیادی با تحولات اقتصاد جهانی هماهنگ ساخته و کارآیی اقتصادی را افزایش دهد. (۱)

مناطق آزاد از طرق زیر می‌توانند به توسعه اقتصاد ملی یاری رسانند.

تأمین سریع مواد اولیه و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های داخلی؛ سهولت و سرعت عمل در تأمین سفارش‌های داخلی می‌تواند سبب صرفه‌جویی در هزینه تولید و در نتیجه کاهش قیمت تمام شده کالاهای ساخت داخل و افزایش امکان صادرات آن به خارج گردد. کاستن از میزان بیکاری در اقتصاد ملی؛ فعالیتهای و خدمات انجام شده در یک منطقه آزاد همچون انبارداری، بسته‌بندی، حمل و نقل و توزیع کالا، بانکداری، بیمه، تولید و مونتاژ کالا و انواع داد و ستدها و خدمات جانبی، مولد درآمدهایی هستند که در نهایت بخشی از آن به کشور میزبان و از جمله نواحی مجاور منطقه آزاد انتقال می‌یابد. ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی به منظور صادرات؛ قیمت تمام شده کالاهای صنعتی و کیفیت و بسته‌بندی کالاها از روی نمونه‌های مرغوب و رایج در منطقه آزاد می‌تواند الگوبرداری شده و جهت صدور تولیدات داخلی مورد استفاده قرار گیرد. تأثیر جریان توسعه در مناطق محروم مجاور مناطق آزاد؛ توسعه اقتصادی در بلند مدت، همچون ظروف مرتبط سبب ایجاد فعالیتهای جدید بویژه در شهرهای اطراف منطقه آزاد می‌شود. ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید با اثر تکثری خود می‌تواند اقتصاد را کد مناطق محروم تر را به تکاپوی تازه سوق دهد و سطح فعالیتهای اقتصادی این مناطق را بالا ببرد. در نتیجه اقتصاد ملی و منطقه‌ای چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم از ایجاد منطقه آزاد و گسترش فعالیتهای صنعتی - تجاری در آن منتفع می‌گردد و به سطوح بالاتری از تولیدات و مبادلات خارجی گام می‌گذارد. ایجاد امکانات لازم برای رشد صنعت توریسم و جذب جهانگردان داخلی و خارجی؛ اکثر مسافرت‌ها به مناطق آزاد بخصوص کیش با مقاصد تجاری و ب خاطر ارزان بودن کالا نسبت به پایتخت و سایر شهرهای ایران انجام می‌گیرد ولی قطعاً جهانگردان خارجی بخاطر ارزانی اجناس در کیش به این جزیره مسافرت نخواهند کرد، بلکه باید استعداد جاذبه‌ای توریستی جزیره را متناسب با خواسته‌ها و سلائق گردشگران خارجی شکل داد (البته در چارچوب ارزشهای حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران) تا انگیزه مسافرت به کیش را در توریستهای خارجی بیشتر کرد و از این راه به درآمدهای ارزی (مشروع)

دست یافت. علاوه بر موارد یاد شده سوابق کشورهای دیگر نشان داده است که آنها مناطق آزاد را همچون آزمایشگاهی جهت کسب تجربه تولید و بازرگانی بر مبنای اصول و ضوابط اقتصاد آزاد تلقی کرده و سیاست‌های خود را در جهت آن اصلاح و تعدیل کرده‌اند.

شرایط و عوامل موفقیت مناطق آزاد

در موفقیت یک منطقه آزاد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قوانین و مقررات داخلی و مقررات داخلی و موقعیت مکانی دخالت دارند که به چند عامل به طور اختصار اشاره می‌شود.

الف) سازگاری هدفهای منطقه آزاد با استراتژی اقتصادی ملی: هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند باید کاملاً در راستای هدف‌ها و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهت پذیرش فلسفه وجودی منطقه آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد ایجاد این مناطق به تنهایی گره گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود.

ب) صراحت‌های قانونی: قانون مناطق آزاد هر کشوری باید به طرز مشخص و صریح، ویژگی‌های نقش منطقه آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین اهداف و وظایف و اختیارات آن را تبیین و روشن سازد و امتیازاتی را که برای تحقق اهداف تعیین شده و ایجاد انگیزه‌های تشویقی برای مؤسسات و شرکتهای سرمایه گذار داخلی و خارجی در نظر گرفته است، و شرایط ورود و خروج سرمایه و نیروی کار را به وضوح بیان کند. هرگونه ابهامی در این زمینه‌ها تحقق اهداف از پیش تعیین شده را غیر ممکن می‌سازد.

ج) دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدمات همگانی: دسترسی به تسهیلات زیربنایی از مهمترین عوامل است که سرمایه گذار را به سوی منطقه آزاد جلب می‌کند. امکانات اولیه نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، تلکس، ارتباطات راه دور، تسهیلات حمل و نقل در خشکی و آب، بندرگاه و اسکله‌های مناسب، خطوط ارتباطی (راه‌ها و فرودگاه‌ها) ساختمان اداری و مسکونی در استانداردهای پذیرفته شده از جمله شرایط ضروری جهت موفقیت منطقه آزاد به شمار می‌آیند.

علاوه بر تأسیسات فیزیکی مذکور، ارائه خدمات به موقع بانکی و بیمه‌ای، کشتیرانی و تجاری، تسهیلات مسافرت هوایی، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و امکانات تفریحی می‌توانند به گونه‌ای مثبت برای جلب سرمایه گذاران، بازرگانان و گردشگران به منطقه آزاد تأثیر گذارند.

د) سازمان اجرایی مناسب: وجود نهادها و تشکیلات سازمانی با عملکرد منظم و منسجم از مهمترین شرایط پیشرفت امور بشمار می‌رود. بنابراین بکارگرفتن پرسنل آموزش دیده و آشنا به فرهنگ صنعتی- تجاری مدرن، وجود مدیران کارآمد همراه با ضوابط و مقررات صریح و روشن جهت اتخاذ تصمیمات سریع و روزمره نهایت اهمیت و اعتبار را دارد.

ه) ثبات سیاست‌های اقتصادی: سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که جهت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و نیز جهانگردان و گردشگران به منطقه آزاد اتخاذ و رسماً اعلام می‌شود، باید پایدار و دراز مدت باشد. تغییرات پی در پی در سیاست‌ها موجب سلب اطمینان فعالان تجاری و سرمایه‌گذاران از این مناطق شده و هدف‌های مورد نظر را با شکست مواجه می‌سازد.

و) انتقال تکنولوژی و فرهنگ صنعتی: امروزه تخصص تولیدی بیش از ابزار در مغزها جمه شده است و تقاضا برای نیروی انسانی متخصص، همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا در منطقه آزاد- که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارآیی از اجزای تفکیک‌ناپذیر آن بشمار می‌رود- به این گونه مغزها، تخصص‌ها و آموزشها نیاز دارد. متقابلاً منطقه آزاد با نیروهای متخصصی که تربیت می‌کند به نیاز اقتصاد ملی پاسخ می‌دهد.

ز) هماهنگی مجریان و مردم: بروز اختلافات نظر بین مردم و مقامات دولتی یا مسئولین منطقه آزاد و وجود ناهماهنگی بین مسئولان اجرایی در انجام وظایف جاری، موجب توقف یا کندی کارها می‌شود. ک) حمایت پیگیرانه دولت: تقویت، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از مناطق آزاد، به گونه‌ای پیوسته از سوی دولت و مسئولان اجرائی و کمک به پیشبرد اهداف اعلام شده، نقشی مهم در توسعه فعالیت‌های مناطق آزاد دارد.

ل) ت.مین فضای باز کار و زندگی اجتماعی: منطقه آزاد مکانی برای توسعه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی در انطباق با شرایط مناسب طبیعی، اقلیمی و اجتماعی از طریق پیوند نیروهای داخل یا بازارهای بین‌المللی است.

در این صورت چگونگی برخورد و رفتار با اتباع بیگانه، به ویژه سرمایه‌گذارانی که مایل به فعالیت در این مناطق هستند و یا جهانگردانی که برای خرید یا تفریح به مناطق آزاد می‌آیند می‌تواند الگوی مناسب یا بازدارنده در جهت همکاری‌های بین‌المللی در مجموع کشور تلقی شود. آزادی فعالیت در این مناطق در سطح قابل پذیرش و منطبق بر باورها و فرهنگ حاکم بر مناطق آزاد برای اتباع بیگانه ویژگی اصلی این گونه مناطق به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه دخالت یا ایجاد محدودیت ناشی از برنامه‌های اقتصادی دولت و تصمیم‌گیری‌های عوامل خارج از منطقه که بر وضعیت فعالیت‌های آزاد اتباع خارجی تأثیر منفی بگذارد، سبب تردید و احتیاط، سرمایه‌گذاران و جهانگردان شده و اساس طرح ریزی‌های منطقه آزاد را به زیر سؤال می‌برد. نکته مهم آن که اگر شرایط برای تأمین فضای یاد شده که شیوه زندگی اتباع خارجی را نیز شامل می‌شود، فراهم نباشد انتظار گسترش فعالیت‌های صنعتی- تجاری در منطقه آزاد معقول نخواهد بود. از شرایط فرهنگی لازم برای موفقیت مناطق آزاد در حوزه وفاق فرهنگی متبلور می‌شود. وجود سیستم خردی چون یک منطقه آزاد باید مورد توافق اجتماعی مردم سرزمین اصلی، چه نخبگان و چه توده آنها باشد.

برای رسیدن به چنین توافقی چندین شرط لازم است. بیش از هر چیز، باید نزد نخبگان درباره لزوم ایجاد چنین مقاطعی توافق وجود داشته باشد. رسیدن به این توافق از راه تشریح کارکرد و مکانیسم‌های چنین منطقه‌ای و هم چنین با تدوین دقیق اهداف آن میسر است، و زمانی که به یک تدوین قانونی دست بیابیم قاعدتاً باید به چنین توافقی نیز رسیده باشیم. در حوزه توده مردم، پیش از آنکه مسأله لزوم چنین مناطقی مطرح باشد چگونگی کارکرد و مکانیسم درونی آنها و همچنین ضرورت تفکیک میان سیستم کلان و سیستم خرد باید درک شود. در این مرحله عنصر فرهنگی و به ویژه تحقیق اجتماعی، می‌تواند نقشی مثبت و بسیار فعال ایفا کند و از طریق ارائه یک الگوی فرهنگی ویژه، بی آنکه این الگو لزوماً در تضاد با الگوی فرهنگی سیستم کلان قرار بگیرد در ایجاد توافق اجتماعی نسبت به درونی مناطق آزاد مؤثر بیفتد.

ترکیب اجتماعی و فرایند تحول

گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده جمعیت در مناطق آزاد بطور کلی عبارتند از: جمعیت محلی، مهاجران، جهانگردان داخلی (ایرانگردان)، جهانگردان خارجی و بازرگانان. هریک از این گروه‌ها دارای روند تحول خاصی هستند. پرداختن به مسائل جمعیت بومی و مهاجران به منطقه آزاد از موضوع بحث این مقاله خارج است، لذا بطور اختصار به مسائل گروه‌های توریستی و جهانگردان داخلی و خارجی می‌پردازیم. جزیره کیش به دلیل سابقه بیشتر و رشد زیربنای مناسب توریسم در چند دهه گذشته، بی شک با مناطق آزاد دیگر ایران فاصله بسیار زیادی دارد. مناطق دیگر نیز می‌توانند با ایجاد زیربنای لازم و به دلیل هماهنگی فرهنگی با جهانگردان داخلی (ایرانگردان)، به مناطق جذب توریسم زمستانی تبدیل شوند. در مورد خاص کیش باید توجه داشت که رشد نوعی «توریسم تجاری» در مقیاس کوچک یعنی گروه‌های رو به افزایش کسانی که برای خرید کالاهای لوکس و نیمه لوکس به بهای ارزانتر و فروش آن در سرزمین اصلی، روانه این جزیره می‌شوند، گرایش منفی است که می‌تواند کارکرد مناطق آزاد را به سرعت از سکوه‌های پرتاب افزایش صادرات، به کانال‌های جدید ورود کالاهای لوکس به صورت مجاز و غیر مجاز تبدیل کند. گروه دیگری که در مناطق آزاد به آن برمی‌خوریم، جهانگردان خارجی هستند. درباره این گروه در مناطق آزاد تقریباً با همان مشکلات و مسائلی روبرو هستیم که در کل کشور. بطور کلی با توجه به مشکلات پس از دوران جنگ و لزوم بازسازی و همچنین به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و ارزش‌های مقدس حاکم بر جامعه، در حال حاضر کشور آمادگی لازم برای پذیرایی از توریسم تفریحی را ندارد. آنچه اغلب مطرح می‌شود توریسم یا جهانگردی فرهنگی است، با توانایی جذب واقعی، اما محدود که موانع بوروکراتیک و سخت گیریه‌های غیر مسئولانه می‌تواند ضربه سختی به آن وارد کند. از این

گذشته جهانگردان فرهنگی بصورت طبیعی جذب نقاط سنتی، اماکن تاریخی و باستانی می‌شوند. در نتیجه مناطق آزاد از این لحاظ با موانع جدی روبرو هستند. با این همه منطقه آزاد کیش به دلیل قابلیت‌های طبیعی می‌تواند در صورت برنامه‌ریزی صحیح، از جمله ایجاد امکانات رفاهی مناسب، پذیرای گروه‌هایی از جهانگردان تفریحی نیز باشد. دگرگونی و توسعه امکانات رفاهی و پذیرایی که در سال‌های اخیر در جزیره کیش شاهد آن هستیم می‌تواند شرایط لازم را برای جذب جهانگردان پیرامون کشورمان را فراهم آورد. البته باید توجه داشت که در چند سال گذشته بیش از ۳۰ درصد از جهانگردان وارد شده به ایران از دو منطقه خاورمیانه و قفقاز و ۳۵ درصد از آسیای جنوب شرقی بوده‌اند. در حال حاضر جز در مورد کیش و تا اندازه‌ای قشم، اقدام مؤثر و چشمگیری در این زمینه انجام گرفته است. گروه دیگری که در ترکیب اجتماعی مناطق آزاد نقش نسبتاً زیادی در موفقیت آن مناطق دارند، بازرگانان اعم از ایرانی یا خارجی هستند. اگر تدابیری مانند تضمین‌های حقوقی و ثبات قانونی و همچنین زیربنای تسهیلات مالی، ارتباطی بتوانند مشکلات موجود را از سر راه امنیت سرمایه‌گذاری بردارند، موانع فرهنگی در این حوزه نسبت به سایر موارد نقش بسیار کمتری ایفا می‌کنند. گروه‌های زیر می‌توانند در اولویت جذب قرار گیرند:

- ۱- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم داخل کشور.
 - ۲- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج از کشور.
 - ۳- سرمایه‌گذاران خارجی کشورهایی با قرابت فرهنگی نسبت به ایران.
 - ۴- سرمایه‌گذاران خارجی با فرهنگ‌های نامتجانس و دور از ایران.
- با اینکه از تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد (۷۲/۶/۲۱) بیش از چهار سال نمی‌گذرد و هنوز فرصت زیادی باقی است تا راه کارهای مناسب یافت و توسعه‌ی پایداری را برای این مناطق ممکن و یا لاقلاً محتمل گرداند. چند خط اصلی می‌توانند محورهای فرهنگی این راه کارها را مشخص کنند:
- ۱- شناساندن کارکرد و رسالت واقعی چنین مناطقی به مردم، از طریق آگاه ساختن آنها به وضعیت، چگونگی اداره و نتایج مثبت و ثمرات کوتاه، میان و دراز مدت فعالیت مناطق مشابه در سایر کشورها.
 - ۲- آگاه‌سازی مسئولان و مدیران کشور، بویژه در حوزه‌های درگیر با این مناطق نظیر گمرک، با مکانیسم طبیعی اداره چنین مناطقی از طریق شفاف ساختن هر چه بیشتر ساختارها و عملکرد مناطق به منظور تأثیر‌گذاری بر روند تثبیت قوانین و ضوابط و تضمین اجرای درست و پایدار آنها.
 - ۳- افزایش پیوندها و فرایند تأثیر‌گذاری مثبت بر پیرامون نزدیک، بکارگیری نیروی کار بومی و تقویت و آموزش نیرو برای ایجاد یک حوزه حمایت طبیعی از توسعه مناطق.

۴- ایجاد جاذبه‌های توریستی - بازرگانی با تأکید و اولویت دادن به فرهنگ‌های متجانس و نزدیک به فرهنگ کشور، و در عین حال تلاش برای ایجاد یک الگوی فرهنگی خاص این مناطق که با الگوی عمومی کشور تضادی نداشته باشد، بلکه نکات مثبت آن را به حداکثر و نکات احتمالاً منفی را به حداقل برساند.

نیتجه گیری و پیشنهادات

امروز جهان پر از شگفتی‌ها و جاذبه‌هاست و کشورها با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و ابنیه تاریخی و باستانی گوناگون و جاذبه‌های توریستی متنوع، مردم کشورهای دیگر و مناطق همجوار را به میهمانی و ایجاد رابطه فرا می‌خوانند. صنعت جهانگردی این رابطه را تسهیل و تحکیم می‌بخشد. به این جهت گفته می‌شود جهانگردی پلی است بین کشورها و فرهنگها و پیوند دهنده انسانها و ملتها با یکدیگر.

به بیانی دیگر جهانگردی موجب اشتغال زائی و رونق تجارت و درآمد زائی است. صنعت جهانگردی انسان را با فرهنگ، سیاست، تکنیک، و طبیعت‌های جدید و متنوع آشنا می‌سازد و دوستی و صلح بین اقوام و ملتها و به تبع آن کشورها را به ارمغان می‌آورد و موجب ارتقاء دانش و آگاهی جهانگردی می‌گردد. (احتمالاً یکی از دلایل تأکید دین مبین اسلام و قرآن مجید به سیر و سفر نیز همین امر است.)

اینک پیشنهاداتی که به نظر نویسنده مقاله متمر ثمر به نظر رسیده بشرح ذیل ارائه می‌گردند.

- ۱- دبیرکل سازمان جهانی توریسم (W.T.O) اعلام کرده است: «صنعت توریسم با تولید ۶۶۰ میلیون توریست در سال ۲۰۰۰ به عظیم ترین صنعت آغاز قرن ۲۱ تبدیل خواهد شد.» (۱)
- اگر بخواهیم سهم خود را از این صنعت عظیم افزایش دهیم باید با شناخت موانع رشد این صنعت در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و و احیاناً مسائل فقهی مربوط به جهانگردی از برنامه‌ریزی دقیق و اصولی غفلت نوزم. این مهم نیازمند اشتراک مساعی همه نهادها و دست اندرکاران اجرائی و سیاستگذاری امر جهانگردی و ایرانگردی را بیش از پیش طلب می‌کند.
- ۲- امروزه سرمایه گذاری برای تربیت و آموزش نیروی انسانی و داشتن پژوهشگران و محققان در تمامی رشته‌های مورد نیاز کشور به عنوان یکی از شاخص‌های عمده رشد و توسعه محسوب می‌گردد. این موضوع در باب آموزش نیروی انسانی در بخش جهانگردی نیز صادق است و اگر قصد داریم در سالهای آتی صنعت جهانگردی را در کشورمان فعالتر کنیم باید به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بپردازیم.

۳- در طرح جامع کیش، بخش توریسم به عنوان کارکرد خاص منطقه آزاد کیش مورد توجه قرار گرفته است. (۲) از آنجائیکه از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد، توسعه اقتصادی از طریق تولید و افزایش صادرات کالا ذکر می‌شود، نباید فعالیتهای جانبی به دستیابی این هدف مهم و اولیه لطمه وارد کرد و آنرا تحت الشعاع قرار دهد.

۴- تولید کالا و تجارت خود از عوامل مهم جذب جهانگرد است. به عنوان گواه این ادعا می‌توان از سنگاپور، هنگ کنگ، کره و ژاپن نام برد. لذا با اولویت دادن به بخش صنعت و تولید و با عنایت به پتانسیل‌های طبیعی، بخودی خود بخشی از جهانگردان جذب مناطق آزاد خواهند شد.

۵- تأثیرپذیری جهانگردان فقط از طریق مشاهده مناظر طبیعی و میراث فرهنگی کشور و منطقه میزبان میسر نیست، بلکه برخورد آحاد ملت اعم از افراد بومی و کسانی که با جهانگرد برخورد مستقیم دارند، تأثیر بسزایی در تعامل فرهنگی و معرفی ارزشهای حاکم بر کشور میزبان دارد. لذا پیشنهاد می‌شود به مردم مناطقی که جهانگردان از آنها دیدن می‌کنند اهمیت و چگونگی برخورد با میهمانان داخلی و خارجی را متذکر شد.

۶- به طور عمده گردشگران داخلی و بعضاً جهانگردان خارجی شهرهای شمالی کشور را برای استراحت بر می‌گزینند و یا از آثار تاریخی و فرهنگی استانهای نظیر اصفهان و شیراز دیدن می‌کنند و از جاذبه و امکانات موجود در جنوب کشور و مناطق آزاد، بخصوص جزیره کیش، بی اطلاع هستند (البته در مورد گردشگران داخلی، بعد مسافت و هزینه‌های ایاب و ذهاب و هتل‌ها مزید بر علت است). پیشنهاد می‌شود بروشور و جزوات معرفی مناطقی مثل کیش در خارج از کشور در دفاتر هواپیمائی و نمایندگیهای سیاسی و فرهنگی (سفارتخانه‌ها و خانه‌های فرهنگ) در معرض دید و دسترس خارجیان و ایرانیان مقیم خارج از کشور قرار داده شود. ایجاد بانک اطلاعات توریستی و انجام خدمات اطلاع‌رسانی نقش زیادی در جذب توریست دارد.

البته تبلیغات در خارج از کشور باید متناسب با خواسته‌ها و نیازهای جهانگردان طراحی و انجام پذیرد. برای ساکنان کشورهای سرسبز و با مناظر طبیعی غنی، تبلیغ اقامت در شهرهای شما ایران جذابیت زیادی نخواهد داشت.

۷- قطعاً جهانگردان داخلی و خارجی دارای وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت هستند که تفریحات و برنامه‌های فرهنگی و بازدید اماکن دینی یکسان و یکنواخت نظر همه آنها را بخود جلب نخواهد کرد، تنوع در جاذبه‌ها و برنامه‌های تفریحی - فرهنگی باعث جذب جهانگردان بیشتر خواهد شد.

۸- برنامه‌ریزی فرهنگی در مناطق مورد بازدید جهانگردان اعم از داخلی و خارجی (بخصوص جزیره کیش و مناطق آزاد دیگر) باید به گونه‌ای باشد که آثار مثبت آن نمود و بروز بیشتری داشته باشد و

از طرفی از لحاظ برخورد با افراد خلافکار و خاطی بنوعی عمل کرد که مسافری و گردشگران بی بند و بار احساس امنیت نکنند و فرصتی برای اعمال خلاف خود پیدا نکنند. البته این به معنی سخت گیری و سلب آزادی و آسایش گردشگران نیست بلکه فراهم آوردن زمینه‌ای است که برای افراد نایاب و هززه محیط امنی ایجاد نشود و خانواده‌ها بتوانند در طول اقامت خود با خیال راحت و آرامش خاطر به گشت و گذار بپردازند.

۹- کشورهای مختلف دنیا به عنوان یک صنعت درآمد زا و توسعه آفرین به جهانگردی ارج نهاده و در ترویج و گسترش آن تلاش می‌کنند. کشورهای پیشرفته از جاذبه‌های صنعتی مصنوع بشر و کشورهای در حال توسعه با بهره گیری از جاذبه‌های طبیعی و میراث فرهنگی تلاش می‌کنند تا از این صنعت منتفع گردند. در این میان منطقه آزاد کیش می‌تواند با پیشینه‌ای تاریخی و ویژگی‌های طبیعی و امکانات تفریحی و سیاحتی نظیر قایقرانی، ماهیگیری، غواصی، دوچرخه سواری، پرواز با گلایدر، آکواریم و نظایر آن، با استفاده از تکنولوژی جدید موجود در کشورهای پیشرفته و با ایجاد امکانات تفریحی- ورزشی مثل شهرسازی با تجهیزات و لوازم جدید جهت استفاده گروه‌های سنی مختلف به جاذبه‌های توریستی تنوع بخشد.

۱۰- به نظر می‌رسد اقدام به موارد ذیل به رشد و گسترش جهانگردی چه در مناطق آزاد و چه در شهرهای دیگر کشور که جاذبه‌های توریستی دارند مفید به فایده خواهد بود. تشکیل کمیته‌ای جهت بررسی و یافتن موانع جهانگردی- کاهش تشریفات اخذ روادید در خارج از کشور- حمایت از بخش خصوصی و سود آور کردن صنعت جهانگردی- صدور مجوزهای لازم جهت وارد کردن تجهیزات از جمله وسایل مورد نیاز هتلها- توجه بیشتر به تبلیغات در داخل و خارج کشور- ایجاد مراکز آموزشی و تأسیس بانک اطلاعات و آمار جهانگردی برای گسترش فرهنگ گردشگری- تأمین امنیت و آسایش گردشگران در شهرها و اماکن توریستی.

منابع

- سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان «سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان هرمزگان»، آبانماه ۱۳۷۳.
- مجله صنعت حمل و نقل، شماره ۱۵۴، آذرماه ۱۳۷۵.
- مجله اقتصادی، نشریه داخلی معاونت امور اقتصادی و دارایی، ش ۶، دی ماه ۱۳۷۵.
- سازمان، نشریه داخلی سازمان سیاحتی و مراکز تفریحی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، شماره ۱۱.
- مهدی الوانی و زهره دهدشتی شاهرخ، اصول و مبانی جهانگردی، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، بهمن ماه ۱۳۷۳.
- روزنامه همشهری، ۷۳/۶/۱۵.
- نگاهی به ایرانگردی و جهانگردی، نشریه بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، شماره ۲۲.
- مناطق آزاد، ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نشریه مناطق آزاد تجاری - صنعتی، شماره ۸۰، بهمن ماه ۱۳۷۶.